

نقش کاتبان ایرانی در تحول و توسعه کتابت درباری عثمانی: دوره سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ ق) و سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۳ ق)

طاهر بابایی^۱

سیداحمدرضا خضری^۲

حسن حضرتی^۳

چکیده: حکومت عثمانی در سده دهم هجری - که نقطه عطف آن، دوره سلیم اول و سلیمان قانونی بود - در بسیاری از بخش‌های درباری، اداری-دیوانی، نظامی، هنری و تجاری به پیشرفت و توسعه یافتگی رسید که در این توسعه یافتگی، عوامل متعددی دخیل بوده است. در این پژوهش، نقش ایرانیان در کتابت هنری و دیوانی عثمانی، به‌عنوان یکی از متغیرها و عوامل تحول و توسعه یافتگی عثمانیان در این سده، مدنظر قرار گرفته است. با بررسی اسناد و منابع تاریخی و بهره‌گیری از پژوهش‌های مربوطه، مشخص شده است که کاتبان ایرانی در دو بخش مرتبط با کتابت (کتاب‌آرایی و نوشته‌های دیوانی) نقش آفرینی کردند. افزایش شمار کتاب‌ها با استنساخ کتب مذهبی، ادبی، تاریخی و علمی، ابداعات هنری و انتقال میراث هنری ایرانی، تقویت انشای درباری و تأمین نیروهای کارآمد دیوانی از جمله فعالیت‌های کاتبان ایرانی بود که به تقویت، تحول و گسترش کتابت درباری انجامید. این تلاش‌ها در کنار سایر اقدامات در بخش‌های مختلف حکومتی، سرانجام شکوه دربار عثمانی را در سده دهم هجری رقم زده است.

واژه‌های کلیدی: تشکیلات عثمانی، هنر عثمانی، کاتبان ایرانی، سلیم اول و سلیمان قانونی

۱ دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران Taherbabaei@ut.ac.ir

۲ استاد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران Akhezri@ut.ac.ir

۳ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران Hazrati@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۹ تاریخ تأیید: ۹۵/۰۶/۰۶

The Role of the Iranian Scribes in the Development and Evolution of the Ottoman Court Scribe during the Reign of Selīm I & Süleymān the Magnificent (1512- 1566 AD)

Taher Babaei¹
Seyyed Ahmadreza Khezri²
Hassan Hazrati³

Abstract: During the 10th century AH, the Ottoman reign, which reached its apex in the ages of Selīm I and Süleymān the Magnificent, was flourished and developed in many aspects of court, administrative, military, economy and art because of numerous factors. In this research, the role of Iranians in the artistic and bureaucratic writings of the Ottoman Empire has been considered as one of the important factors in development and progress of the Ottomans' during the century. The historical documents, sources, and related studies indicate that the Iranian scribes played a significant role in two aspects of writing: book design and administrative writings. An increase in the number of books by transcription of religious, literary, historical and scientific works, artistic inventions, the transfer of Iranian artistic heritage into the Ottoman Empire, strengthening of court writing, and providing a skillful personnel were some of those activities that led to the reinforcement, development and expansion of court writings. These efforts along with other policies in the different sectors of government brought about the Ottomans' glory in the 10th century AH.

Keywords: Ottoman administration, Ottoman art, Iranian scribes/*Kātib*s, Selīm I & Süleymān the Magnificent

1 Ph.D in History of Islamic culture and Civilization in University of Tehran. Taherbabaei@ut.ac.ir
2 Professor of History of Islamic culture and Civilization in University of Tehran. Akhezri@ut.ac.ir
3 Assistant Professor of History in University of Tehran. Hazrati@ut.ac.ir

مقدمه

کتابت در دربار عثمانی به دو شکل کلی کتابت دیوانی و کتابت هنری (به دست «کاتبان کُتب») انجام می‌شد که هر یک دارای زیرمجموعه‌هایی با مشخصه‌های خاص خود بودند. عالی‌ترین شکل کتابت را کاتبان دیوانی بر عهده داشتند که به نگارش نامه‌های سلطانی و نوشته‌های درباری، اداری و مالی اشتغال یافته بودند. این کاتبان (کاتبان درباری-دیوانی) در دوره عثمانی به طور کلی به دو بخش کاتبان خزینة عامره (خزانه) و کاتبان دیوان همایون تقسیم می‌شدند که به ترتیب تحت سرپرستی دفتردار و رئیس‌الکتاب قرار داشت.^۱ به مرور زمان، با ایجاد و توسعه بخش‌های دیگری نظیر «محاسبه» و «دایرة نشانچی» کاتبان دیگری به این جرگه افزوده شدند که به نوعی با دو بخش رئیس‌الکتابی و دفترداری در ارتباط بودند. کاتبان کتب نیز به دو بخش کلی تقسیم می‌شدند که وظایف و شکل فعالیت آنان، متناسب با اهدافشان متغیر بود. دسته‌ای از اینان، نویسندگانی بودند که هدفشان بیش از نمایاندن هنر خویش، نگارش آثارشان بود؛ با وجود این، به سبب داشتن خطی خوش از آنان با عنوان «کاتب» یاد شده است. دسته دیگر از کاتبان، کسانی بودند که در کارگاه‌های هنری دربار عثمانی اشتغال داشتند و وظیفه ایشان نگارش و استنساخ کتب (به‌خصوص کتب تذهیب و تصویر شده) بود. اینان که در دفترهای اهل حرف از آنان با عنوان «جماعت کاتبان کُتب» سخن رفته است،^۲ در درجه نخست، مسوول استنساخ قرآن و شاهنامه‌های آل عثمان بودند و در درجات پسین به کتابت آثار مشهور علمی و ادبی می‌پرداختند.^۳

هنر خطاطی و کتابت هنری - که یکی از زیرمجموعه‌های هنر کتاب‌آرایی به شمار می‌آمد و هنرمندان این حوزه، علاوه بر خطاط، کاتب نیز خوانده می‌شدند- بسیار مورد توجه حاکمان عثمانی بود، اما به‌رغم وجود کتیبه‌های پرشمار در بناهای مذهبی و غیر مذهبی، غالب نوشته‌های کتابی و کاغذی آنان در دوران پیش از سده دهم از میان رفته است. اندک نوشته‌های به جای مانده نیز کمتر به داشتن مکتبی خاص نزدیک بودند، چندان که گویا تا اوایل سده دهم هجری، ترکان مکتبی که نشان‌دهنده کامل ذوق و هنر در کتابت باشد،

1 Yasemin Yayla (2001), *Kanuni Sultan Süleyman devri Osmanlı devletinde bürokratik yapı*, yüksek lisans tezi, Süleman Demirel Üniversitesi, Sosyal bilimler enstitüsü tarih anabilim dalı, pp 128- 129; Yusuf Sarınoy (2010), *Osmanlı Başbakanlık arşivi rehberi*, İstanbul: T.C. Basbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, p 238.

۲ برای نمونه، نک. دفتر اهل حرف ۹۵۲ق، Topkapı Sarayı، Ehl-Hiref، TS.MA.d. 97060004، گ ۲.

3 Pelin (Filiz), Bozcu (2010), *Osmanlı Sarayında Sanatçı ve Zanaatçı Teşkilatı Ehl-i Hiref*, Uzmanlık Tezi, İstanbul: T.C. Kültür ve Turizm Bakanlığı, Kültür Varlıkları ve Müzeler Genel Müdürlüğü, p 21.

نداشتند و از این سده به بعد نشانه‌های مکتب خطاطی در قلمرو عثمانی به چشم می‌خورد^۱ که همین اندازه از ذوق هنری در کتابت نیز تحت تأثیر هنر ایرانی بود. در نیمه نخست قرن نهم هجری، خطاطانی از شیراز و اصفهان در دوره تیموری و پس از آن در دوره آق‌قویونلوها به شهرهای بروسه، ادرنه و استانبول کوچیدند. پس از پیروزی عثمانی بر آق‌قویونلوها در سال ۸۷۸ق این شمار رو به ازدیاد نهاد.^۲ از قرن دهم هجری به بعد، عثمانیان در خوشنویسی چندان پیش رفتند که می‌توان از آنان در کنار هنرمندان صفوی و خوشنویسان شبه قاره هند، به عنوان آخرین دارندگان خوشنویسان بزرگ جهان اسلام یاد کرد.

این پژوهش بر آن است تا با استفاده از منابع تاریخی (با اتکای بیشتر بر کتب تراجم و تذکره و دفرهای اهل حرف) و پژوهش‌های جدید مربوطه به نقش کاتبان ایرانی در تحول و توسعه کتابت درباری عثمانی در دوره سلیم اول و سلیمان قانونی (که دوره طلایی عثمانی و بزرگترین جهش در توسعه تشکیلات حکومتی بود) پردازد. در بررسی این مسئله تلاش خواهد شد به پرسش‌های زیر پاسخ مناسب داده شود:

۱. کاتبان ایرانی چه نقشی در تحول هنر درباری عثمانی در دوره مورد بحث داشتند؟
۲. کاتبان ایرانی چه نقشی در تشکیلات دیوانی عثمانی در دوره مورد بحث داشتند؟

نقش کاتبان کتب ایرانی در تحول هنر کتاب‌آرایی عثمانی

در سده دهم هجری و پیش از اینکه خوشنویسان ایرانی در قلمرو عثمانی عرض اندام کنند، حمدالله آماسی (د. ۹۲۶ق)، هنر خوشنویسی عثمانیان را به مرحله پیشرفته‌ای رسانده بود. او در دوره بایزید دوم - که خود نیز خوشنویس بود - از آماسیه به استانبول منتقل و در آنجا از هنرمندان متنفذ حکومت شد. حمدالله کنیه‌های مساجد سلطان را طراحی و حدود ۵۰ نسخه قرآن و صدها ورق مستقل متون مذهبی و ادعیه را کتابت کرد.^۳ حمدالله در کتابت آثار خود از اقلام سته یاقوت مستعصمی^۴ بهره می‌گرفت^۵ و پس از او احمد قره‌حصاری (د. ۹۶۳ق)، به همراه هنرمندان اسیر ایرانی پس از نبرد چالدران، این اقلام را در آثار خود بیشتر

۱ اسماعیل حقی اوزون‌چارشیلی (۱۳۸۸) تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، ج ۲، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۱، صص ۷۱۰-۷۱۱.

2 Zeren Tanindi (2000), "Addition to illustrated manuscripts in the Ottoman Workshops", *Muqarnas*, no: 17, p148.

۳ شیلابلر و جاناتان بلوم (۱۳۸۸)، هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت، چ ۳، صص ۶۱۰-۶۱۱.

۴ شامل اقلام ثلث، نسخ، محقق، ریحانی، توقیع و رقاع.

۵ مریم فدایی (۱۳۹۱)، "هنر خوشنویسی دوره امپراتوری عثمانی"، کتاب ماه هنر، ش ۱۷۲، ص ۶۹.

به کار بستند.^۱ این تلاش‌ها آن‌چنان شد که همان‌طور که قلم نستعلیق با هنر ایرانی نام‌آور شده است، هنر نوشتاری با اقلام شش‌گانه را با نام ترکیه و عثمانی شناخته می‌شود.^۲ استفاده از قلم تعلیق و نستعلیق که ریشه‌ای ایرانی دارد، در نگارش آثار نوشته شده در قلمرو عثمانی بسیار محبوب و پر کاربرد بود؛ آن‌چنان که بیش از نیمی از نوشته‌های عثمانیان در دوره سلیم اول و سلیمان قانونی، به این قلم بوده و حتی در سال‌هایی، قلم غالب نوشته‌های عثمانی شد.^۳ تعلیق در قلمرو عثمانی به قلمی متمایز برای نگارش اسناد ترکی تبدیل شد که به سبب کاربرد دیوانی، به «دیوانی» شهرت یافت.^۴ عالی‌افندی درباره این تغییر آورده است: «خطاطان قلم دیوانی در ولایت روم، اسلوب عجمی را تماماً تغییر دادند، اما خواندن آن ساده‌تر شد».^۵ از جمله ایرانیانی که علاوه بر مهارت در اقلام مختلف، در قلم دیوانی نیز ماهر و مشهور بود، تاج‌الدین بخاری است.^۶ او که تاج بخاری نیز خوانده می‌شد، در عصر سلیم اول با هدف سیاحت از بخارا به استانبول کوچید و در نگارش قلم ثلث، نسخ، یاقوتی، بوابی و دیوانی مهارت بسیار داشت.^۷

به سبب بازتاب چشمگیر نشانه‌های هنر ایرانی در نوشته‌های عثمانی، می‌توان دریافت که نخبگان ایرانی در افزایش استفاده از این قلم‌ها و تحولات آن، نقش بسیاری داشتند. وجود شمار زیادی از کاتبان ایرانی مشغول در هنر کتاب‌آرایی دربار و نیز تشکیلات دیوانی عثمانی در دوره سلیم اول و فرزندش، خود نشانه بزرگی از این نفوذ به کتابت عثمانی است. علاوه بر این، از شماری از این کاتبان، آثاری به جای مانده و یا به نگارش کتابی خاص در منابع اشاره شده است. یکی از اینان، کاتب مشهور ایرانی در دربار عثمانی، پیراحمد بن اسکندر بود که در تذهیب و تجلید و نگارگری کتب مهارت داشت. اگر چه با توجه به نسخه خمسّه امیرعلیشیرنوابی که به دست او کتابت شده، می‌توان دریافت که خط چندان خوشی نداشته

۱ همانجا. همچنین یکی از ایرانیان به نام محمد خندان از شاگردان حمدالله آماسی بود (نک: سلیمان سعدالدین‌افندی مستقیم‌زاده (۱۳۴۷)، *تحفة خطاطین*، استانبول: دولت مطبعه‌سی، ص ۴۷۲).

۲ فدایی، همان، ص ۷۷.

۳ همان، ص ۷۳؛ فرزانه فرخ فر (۱۳۹۱)، *تاثیر هنر ایران بر هنر عثمانی در حوزه نگارگری (قرن دهم و یازدهم هجری)*، رساله دکتری در رشته پژوهش هنر، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ص ۲۰۱.

۴ فدایی، همان، ص ۷۳. این خط اگر بدون حرکات و تزیینات باشد «خفی» و اگر دارای نقطه و حرکت گذاری باشد «جلی» خوانده می‌شود (همان، ص ۷۱).

۵ گلیبولولی مصطفی عالی‌افندی (۱۹۲۶م)، *مناقب هنروران*، استانبول: مطبعه عامره، ص ۶۱.

۶ مستقیم‌زاده، همان، ص ۱۴۵.

۷ میرزاحبیب اصفهانی (۱۳۰۶)، *خط و خطاطان*، قسطنطنیه: مطبعه ابوالضیا، ج ۱، ص ۱۰۴؛ مستقیم‌زاده، همانجا.

است، اما بیش از هر چیز به عنوان یک کاتب شناخته می‌شد.^۱ از او اطلاع چندانی وجود ندارد و حتی در دفترهای اهل حرف نیز نامی از او به چشم نمی‌خورد و آنچه که از وظیفه و نام او در دست است، منحصر به کتاب‌ها و اسناد کتابت شده توسط اوست. او در پایان نسخهٔ *خمسهٔ نوایی*، خود را پیراحمد بن اسکندر معرفی کرده که در سال ۹۳۷ق این نسخه را کتابت کرده است.^۲ احتمالاً بتوان میان او و پیراحمد چلبی (کاتب خزانه عامره) و یا محمد بن پیر (از هنرمندان دربار عثمانی) ارتباطی برقرار ساخت، اما نمی‌توان به قطع اظهار نظر کرد.^۳ بنا بر تحقیق اوزبک، او پس از تسخیر تبریز (در نبرد چالدران) به دست سلیم یاووز، از تبریز به استانبول کوچانده شد.^۴

نخستین اثر پیراحمد بن اسکندر، کتاب *یوسف و زلیخا* نوشتهٔ حمدی (د. ۹۱۳ق) است که در سال ۹۲۱ق کتابت شده و اکنون در مونیخ نگهداری می‌شود.^۵ از دیگر آثار کتابت شده توسط پیراحمد، *سلیم‌نامهٔ شکری بدلیسی*^۶ و *دیوان نظامی گنجوی* است که اثر اخیر در سال ۹۳۳ق به نستعلیق نوشته شده و در سال ۱۳۹۱ش همان نسخه در دانشگاه تهران به تصحیح و چاپ رسیده است.^۷ یکی از مهم‌ترین آثاری که علاوه بر کتابت، تجلید و تذهیب و نگارگری آن به دست پیراحمد انجام شده، *خمسهٔ امیرعلیشیرنوایی* است که کتاب‌آرایی آن در سال ۹۳۷ق در استانبول انجام شده^۸ و کاتب، در این اثر سبک «ساز» را به کار بسته است.^۹ سبک «ساز» که شکل جدیدی از هنر تیموری هرات بود و در نقاشی، شامل درختان درهم تنیده‌ای می‌شد که دارای برگ‌های نوک تیز خنجروار بودند- توسط شاه‌قولی ایرانی^{۱۰} ابداع و در

1 Aysin Yoltar-Yıldırım (2000), "An Accomplished Artist of the Book at the Ottoman Court: 1515- 1530", *M.Uğur Demnan 65 Yaş Armağanı*, (Ed.I.C.Schick), İstanbul:Sabancı Üniversitesi iletişim merkezi, p 605.

2 Idem, p 604.

3 Idem, p 605.

4 Yıldray Özbek, (2004), Şükri-i Bitlisi Selimnamesi minyatürleri, *Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, no: 17, p 163.

5 Gülsen Tezcan (2007), *Ali ŞirNevaiyi Hamse ve divanlarını resimleri: Topkapı Sarayı Müzesi ve Kütüphanesinindeki örnekleri*, Doktora tezi, Ankara:Hacettepe Üniversitesi Sosyal bilimler Enstitüsü, p 106.

6 Özbek, p 151.

۷ نظامی گنجوی (۱۳۹۱)، *دیوان نظامی گنجوی*، تصحیح برات زنجانی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.

8 Tezcan, p 105.

نسخهٔ دیگری از این اثر به همان قلم در کتابخانه ملک تهران به شمارهٔ ۴۷۵۹ و ۴۰۶ برگ موجود است که گویا کتابت آن به سال ۹۳۱ق بوده است

(Ümran Ay (2013), "DENA'ya Göre İran kütüphanelerinde bulunan Türkçe, Türkçe- Farsça, Türkçe- Farsça- Arapça divanların kısa künyesi", *Divan Edebiyatı Araştırmaları Dergisi*, no:11, p 103).

9 Aysin Yoltar Yıldırım (2009), *Ottoman decorative arts*, Ankara: Ministry of culture and tourism, p78.

۱۰ او از نقاشان زبردست ایرانی و از شاگردان آغامیرک بود (عالی‌افندی، همان، ص ۶۵). نامش در دفتر اهل حرف سال ۹۳۲ق ذیل جماعت نقاشان- به شکل «سام شاه قولی» با ۲۲ آچه مقرر ضبط شده است (دفتر/اهل حرف ۹۳۲، گ ۲).

شاه‌قولی در دورهٔ سلیمان قانونی، «نقاش‌باشی» شد (محمد ثریا (۱۳۰۸ق، ۱۳۱۱ق) *سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر*

قلمرو عثمانی ترویج شد.^۱ علاوه بر پیراحمد بن اسکندر، شجاع‌الدین فارسی نیز در سال ۹۳۴ق دیوان امیرعلیشیر نوایی را کتابت و تصویرگری کرده که سرشار از نشانه‌های هنر ایرانی است.^۲ این کاتب ایرانی، از هنرمندان حاضر در کارگاه‌های هنری دربار سلیمان قانونی بود که در سال ۹۳۴ق این دیوان را کتابت کرده است و در این نسخه، عناصر هنر تیموری هرات به چشم می‌خورد.^۳ با توجه به وجود عناصر هنر تیموری در این نسخه، می‌توان او را از هنرمندانی دانست که توسط شاه اسماعیل صفوی از هرات به تبریز آورده شدند و سپس در سال ۹۲۰ق و پس از نبرد چالدران، توسط سلیم به استانبول انتقال یافتند.

یکی دیگر از کاتبان ایرانی فعال در دربار عثمانی، میرخویی حسینی بود که در دوره سلیمان قانونی مسئول کتابت *شهنامه خاقانی* - که همان *سلیمان‌نامه فتح‌الله عارف*^۴ است شد.^۵ میرخویی حسینی یا میرسید خوبی حسینی^۶ شاگرد سلطان علی مشهدی و از استادان خط بود که در دوره سلیمان قانونی به استانبول مهاجرت کرد. او از کسانی بود که استفاده از قلم تعلیق را در قلمرو عثمانی گسترش داد.^۷ میرخویی همچنین اثر دیگر فتح‌الله به نام *عثمان‌نامه* را

عثمانی، ج ۲، استانبول: مطبعه عامره، ص ۲۵) و در «سرای عامره» نقاشخانه مختص به خود را داشت (عالی‌افندی، همانجا). نام او در سال ۹۷۲ق جزو درگذشتگان آورده شده است (دفتر اهل حیرت ۹۷۲ق، Ehl-Hiref, TS.MA.d. 1395, 47, Topkapı Sarayı، گ ۵).

1 Yoltar Yıldırım, Ibid, p 75. Lale Uluç, (2008), "The Common Timurid Heritage of the Three Capitale of Islamic Arts", *Istanbul, Isfahan, Delhi; 3 Capitals of Islamic Art: Masterpieces from the Louvre Collection*, exhibition catalogue, Istanbul: Sabancı University Sakıp Sabancı Museum, 47.

در آثار شاه‌قولی که شکلی ساده و لطیف در تصویرگری داستان‌های عاشقانه به روش ایرانی و به نوعی برگرفته از عجایب البلدان‌ها بود، تصویری وجود دارد که به شکل گسترده‌ای از برگ‌های درختان (ساز) استفاده شده که هم به صورت منفرد و مارپیچ و هم به‌مانند جنگلی انبوهی است که اژدهای کهن چینیان در آن می‌خزد و یا آمیزه‌ای از پرهایی به شکل بال فرشتگان است (باربارا برند ۱۳۸۳)، هنر اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی، ج ۱، صص ۱۹۳-۱۹۴).

2 Serpil Bağcı & others(2006), *Osmanlı resim sanatı*, İstanbul, Kültür ve Turizm bakanlığı yayınları, pp 54- 58. (به نقل از: رضا شعبانی و ولی دین‌پرست (۱۳۸۹)، "مهاجرت هنرمندان ایرانی به قلمرو عثمانی: اواخر تیموریان و اوایل دوره صفویه"، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، س ۲۰، دوره جدید، ش ۶، ص ۶۶).

3 Ibid.

۴ شهنامه‌چی ایرانی دربار عثمانی که چندین اثر منظوم از او به جای مانده است (د. ۹۶۹ق).

۵ عالی‌افندی، همان، ص ۳۹؛ مستقیم‌زاده، همان، ص ۶۶۲ بلر و بلوم از شخصی به نام علی‌بن‌امیربیک شیروانی سخن رانده‌اند که دانسته نیست کیست (ص ۶۱۹). تحسین یازبجی نیز در دایرة‌المعارف اسلام اوقاف دینی ترکیه، از شخصی به نام ابوتراب الحسن الحسینی نام برده که مرادش میرخویی حسینی بوده است

(Tahsin Yazıcı (1991) "Arifi Fethullah Çelebi", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, (vol 3) İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, p 372)

۶ به اشتباه میرخونی نیز آمده که احتمالاً تصحیف ناشر است (میرزاحیب اصفهانی، همان، ص ۱۹۶).

۷ مستقیم‌زاده، صص ۶۶۱-۶۶۲؛ عالی‌افندی، همان، ص ۳۹؛ میرزاحیب اصفهانی، همان، ص ۱۹۶؛ ثریا، همان، ج ۲، ص ۱۸۳.

کتابت کرده است.^۱ کتابت این آثار سبب شده است تا میرخویی حسینی به عنوان یکی از نشر دهندگان قلم تعلیق در قلمرو عثمانی دانسته شود^۲ که نشانگر تأثیرگذاری این کاتب ایرانی، بر تحولات هنر دربار عثمانی است. دیگر تعلیق‌نویس مشهور ایرانی حاضر در دربار سلیمان قانونی، حاجی محمد تبریزی، شاگرد شاه‌محمود (از استادان نامی خط) بود که در دوره سلیمان قانونی از تبریز عازم مکه و سپس راهی بروسه شد. او در بروسه با روزانه ۴۰ آقچه مقرری، مواجب‌بگیر سلطنت سلیمان و معلم خط درباریان و هنرمندان کاخ بروسه شد.^۳ معاصر او، محمد شریف تبریزی، مسئول کتابت اشعار سلاطین عثمانی بود که احتمالاً پس از برآمدن صفویان از تبریز به استانبول مهاجرت کرده است.^۴ او چند نسخه نفیس از این مجموعه‌ها را به خط نستعلیق کتابت کرده است.^۵ در همین دوره، سیدمیرکی‌بن‌سیداحمد شیرازی، از شیراز به مکه رفت و در آنجا، مصحفی را کتابت و تذهیب کرده، به عنوان هدیه به سلطان سلیمان قانونی تقدیم کرد^۶ که به دستور سلطان، وقف تریه سلطان بایزید شد.^۷ از میان کاتبان ایرانی شناخته‌شده‌ای که پس از نبرد چالدران اسیر شدند، شماری در کتابت و حسن خط نامی بودند. شاه‌قاسم‌بن‌شیخ‌مخدومی تبریزی^۸ از جمله هنرمندانی بود که

۱ بلر و بلوم، همان، ص ۲۷۷.

۲ ثریا، همان، ج ۲، ص ۱۸۳.

۳ میرزاحیب اصفهانی، همان، ص ۲۲۰؛ عالی‌افندی، همان، ص ۴۰؛ مستقیم‌زاده، همان، ص ۷۲۵؛ ثریا، همان، ج ۴، ص ۱۱۱.

۴ Esin Atıl (1987), *The Age of Sultan Suleyman the Magnificent*, Washington DC: National Gallery of Art, p 35; Aysin Yoltar-Yildirim (2007), "Following the Path of a Nakkash from the Akkoyunlu to the Ottoman Court", *Artibus Asiae*, no:67, p 172.

۵ فدایی، همان، ص ۷۳.

۶ میرزاحیب اصفهانی، همان، ص ۷۷؛ مستقیم‌زاده، همان، ص ۵۶۵.

۷ میرزاحیب اصفهانی، همانجا.

۸ اسامی متعددی برای او آورده شده است که در برخی موارد، بخش دوم نامش تصحیف شده است؛ قاسم‌افندی بن شیخ المجدولی (احمد عطا طیارزاده (۱۲۹۳ق)، *تاریخ عطا*، استانبول: یحیی افندی مطبعه سی.ا.، ج ۱، ص ۱۲۷)؛ شاه‌قاسم‌بن‌الشیخ المجدومی (محمد پاشا نشانچی (۱۲۷۹ق)، *تاریخ نشانچی*، استانبول: طبعخانه عامره، ج ۱، ص ۳۱۱)؛ شاه‌بن‌قاسم تبریزی (اسماعیل پاشا بغدادی [بی‌تا]، *هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین*، ج ۱، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی (افست استانبول: ۱۹۵۵م)، ج ۱، ص ۴۱۵)؛ شیخ قاسم‌بن‌شیخ‌مخدومی (مستقیم‌زاده، همان، ص ۳۶۶)؛ قاسم شاه افندی (ثریا، همان، ج ۴، ص ۴۷)؛ شاه‌بن‌قاسم چلبی (اسماعیل پاشا بغدادی (۱۴۰۲ق/ ۱۹۸۲م)، *یضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، تصحیح و طبعه محمد شرف‌الدین یالتقایا و المعلم رفعت بیلکه الکلوسی، ج ۴، بیروت: دارالفکر، ج ۱، ص ۲۶)؛ شاه‌قاسم‌بن‌شیخ‌مخدومی (احمدبن‌مصطفی طاشکیری‌زاده (۱۳۹۵ق/ ۱۹۷۵م)، *الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة*، بیروت: دارالکتب العربی، ج ۱، ص ۲۷۱)؛ گلیبولولی مصطفی‌عالی افندی (۲۰۰۹)، *کنه‌الآخبار*، چاپ عکس‌برگردان ۱، آنکارا: بنیاد تاریخ ترک، گ ۳۷۳ ب؛ ابراهیم پچوی (۲۸۳ق)، *تاریخ پچوی*، ج ۱، استانبول: مطبعه عامره، ج ۱، ص ۵۰).

در حسن خط و انشاء و نقاشی دستی داشت. سلطان سلیم، او را در سال ۹۲۰ق و پس از نبرد چالدران به استانبول برد و روزانه ۵۰ آقچه مقرر برایش در نظر گرفت.^۱ ثریا او را ادیب، محدث، منشی، مفسر و شاعر فارسی زبان توصیف کرده^۲ که البته گزارشی مبنی بر تبحر او در تفسیر و حدیث در دست نیست. او که روش‌های نگارش اقلام ایرانی را در قلمرو عثمانی گسترش داد،^۳ به نگارش نافرجام تاریخی درباره عثمانیان نیز دست زده است.^۴

عبدالواحد کاتب دیگر کاتب اسیر ایرانی حاضر در دربار عثمانی بود. عبدالواحد^۵ از علمای ایرانی برخاسته از مشهدالرضای خراسان بود، اما به سبب اسارت در تبریز در تمام دفترهای اهل حرف، تبریزی خوانده شده است. او که در ایران نزد سلطان علی مشهدی (از خطاطان ایرانی) شاگردی کرده بود، از استادان اسیری بود که پس از نبرد چالدران از تبریز به استانبول کوچانده شدند.^۶ نام او ذیل کاتبان سال‌های ۹۵۲ق^۷ و ۹۶۵ق با ۱۱ آقچه موجب^۸ و نیز در شمار کاتبان دربار سلیمان قانونی در سال ۹۷۲ق^۹ آمده و تا پایان حکومت سلیمان قانونی زنده بوده است.

مخفی گیلانی دیگر کاتب ایرانی بود که در دربار عثمانی حضور داشت. او از شاعران و خدام مظفرخان گیلانی بود که در حمله سلیمان قانونی به عراقین به او پیوست و در سال

۱ طاشکیری زاده؛ نشانچی؛ پچوی؛ مستقیم‌زاده، همانجا. نیز نک. مهدی بیانی (۱۳۶۳)، *احوال و آثار خوشنویسان، تهران: انتشارات علمی، ج ۲، ص ۲۸۹.*

۲ ثریا، همانجا.

۳ محمدحسن زکی (۱۳۶۶)، *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: نشر اقبال، ج ۲، ص ۷۰.* شاه قاسم از خطاطان شناخته شده بود؛ نک. عالی‌افندی؛ مستقیم‌زاده، همانجا.

۴ عالی‌افندی؛ نشانچی، همانجا. گویا چند بخش آن را به سلطان سلیمان قانونی تقدیم کرده بود (ثریا، همانجا). سالم‌رگ او به درستی دانسته نیست؛ سالم‌رگ او را ۹۴۵ق (بغدادی [بی‌تا]؛ همو، ۱۴۰۲)؛ ثریا، همانجا) و ۹۴۹ق (عالی‌افندی؛ مستقیم‌زاده، همانجا) آورده‌اند. طاشکیری زاده، دو تاریخ ۹۴۸ یا ۹۴۹ق ضبط کرده است (طاشکیری زاده، همانجا). نیز گفتنی است، میرزاحبیب اصفهانی در گزارشی سراسر اشتباه، اسارت او را به دست سلیمان قانونی و سالم‌رگ او را ۹۰۹ق ضبط کرده که نادرستی هر دو گزارش آشکار است (ص ۷۴).

۵ در برخی منابع به صورت عبدالواجد نیز آورده شده است (برای نمونه، نک. میرزاحبیب اصفهانی، همان، ص ۲۰۵). عبدالواحد/عبدالواجد مشهدی غالباً با عبدالواحد/عبدالواجدبن محمد - مدرس مدرسه «واحدیه/ واجدیه» در کوتاهیه در عصر بایزید اول (حک: ۷۹۱-۸۰۴ق) - اشتباه گرفته شده است (عالی‌افندی (۱۹۲۶)، همان، ص ۳۹؛ میرزاحبیب اصفهانی، همان، ص ۲۰۶؛ ثریا، همان، ج ۳، ص ۴۰۳).

۶ *دفتر اهل حرف ۹۳۲*، گ ۱؛ نیز نک. عالی‌افندی، همان، ص ۳۹؛ میرزاحبیب اصفهانی، همانجا.

۷ *دفتر اهل حرف ۹۵۲*، گ ۲.

۸ *دفتر اهل حرف ۹۶۵*، ق، Ehl-Hiref, TS.MA.d. 9612, Topkapı Sarayı، گ ۲.

۹ *دفتر اهل حرف ۹۷۲*، گ ۲.

۹۶۵ق وارد استانبول شد.^۱ او علاوه بر شاعری و ترجمه رساله‌های در طب به نام به چینی یا چوب چینی،^۲ کاتبی بود که نامش ذیل «کاتبان کتب» حاضر در دربار عثمانی به سال ۹۵۲ق و با ۱۲ آقچه مواجب ثبت شده است.^۳ مخفی گیلانی در سال ۹۶۵ق با ۱۳ آقچه مواجب^۴ و در سال ۹۷۲ق در زمره کاتبان خاصه حضور داشت.^۵ یوسف هیره‌وی (هروی) نیز همانند مخفی گیلانی از کاتبان سال ۹۶۵ق با ۱۵ آقچه مواجب^۶ بود که تا سال ۹۷۲ق به عنوان کاتب خاصه به فعالیت خود ادامه داده است.^۷ احتمالاً کاتب و شاعری که حکیم‌شاه در ترجمه مجالس النفائس با نام یوسف مروی آورده، هموست.^۸

علاوه بر کسانی که به شغل کتابت اشتغال داشتند، شماری نیز در کنار وظیفه اصلی خود (شغلی جز کتابت)، به این کار دست زدند. نقاشانی نظیر عبدالخالق، عبدالفتاح، علی بیک، سلطان علی بسمه چی و درویش محمد که نامشان در دفترهای اهل حرف آمده است، در خطاطی نیز چیره دست بودند.^۹ از میان آنان، عبدالفتاح تبریزی^{۱۰} لوحی را به خط خود در مسجد جامع بروسه نگاشته که اکنون باقی است.^{۱۱} محمدبن ملک احمد تبریزی نیز از ایرانیان حاضر در دربار عثمانی بود که در زمان بایزید دوم بدان دیار کوچید و با ۷.۵ آقچه به عنوان نقاش به کار گمارده شد.^{۱۲} او در سال‌های ۹۳۷ و ۹۳۸ق جنگ خسرو و فرهاد و غرایب الصغر امیرعلیشیر نوایی را کتابت کرد.^{۱۳}

علاوه بر اینان که نام و شکل کتابت آثارشان مشخص است، کاتبانی نیز بودند که دانسته

1 Gülşah Taşkın (2012), "Kanuni Döneminde Mahfi bir Şair: Mahfi-I Gilani ve Bih-I Çini Tercümesi", *Turkish Studies*, no: 7/3, p 2425.

2 Idem, p 2424.

۳ دفتر اهل حرف ۹۵۲، همانجا.

۴ دفتر اهل حرف ۹۶۵، همانجا.

۵ دفتر اهل حرف ۹۷۲، همانجا.

۶ دفتر اهل حرف ۹۶۵، همانجا.

۷ دفتر اهل حرف ۹۷۲، همانجا.

۸ محمد قزوینی حکیم‌شاه (۱۳۶۳)، بخش افزوده به ترجمه مجالس النفائس، (امیرعلیشیر نوایی [بی تا]، تذکره مجالس النفائس (ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی)، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: نشر منوچهری، چ ۱، ص ۳۸۷.

۹ دین پرست، همان، ص ۷۱.

۱۰ از استادان نقاش اسیر شده پس از نبرد چالدران ۱۰ که در سال ۹۵۲ق مواجیش ۱۲ آقچه بود (دفتر اهل حرف ۹۵۲، گ ۳). نام او در سال ۹۷۲ق جزو درگذشتگان آورده شده است (دفتر اهل حرف ۹۷۲، گ ۵).

۱۱ بیانی، همان، ص ۳۰۸.

۱۲ دفتر اهل حرف ۹۳۲، گ ۲. نام او در سال ۹۷۲ق جزو درگذشتگان آورده شده است (دفتر اهل حرف ۹۷۲، گ ۲).

۱۳ شعبانی و دین پرست، همان، ص ۶۶.

نیست چه کتاب و اثری را استنساخ کرده‌اند. از آن جمله، عبدالرحیم کاتب از ایرانی‌زادگانی بود که در دوره محمد فاتح از کاتبان خاصه شد، اما نامش در سال ۹۲۹ق در دفتر اهل حرف ثبت گردید.^۱ سلطان علی کاتب، دیگر کاتبی بود که از تبریز (پس از نبرد چالدران) کوچانده شد^۲ و نامش در سیاهه اموال غارت‌شده تبریز (پس از نبرد چالدران) به عنوان نقاش ثبت شده است.^۳ در سال ۹۵۲ق نیز یوسف تبریزی، با ۱۵ آقچه مواجب از کاتبان کتب دربار عثمانی بوده است.^۴ سلطانعلی خوارزمی نیز از کاتبان مواجب‌گیری بود که در دوره سلیمان قانونی از ایران به استانبول رفت و در جوار مزار ابویوب انصاری ساکن شد.^۵ همچنین محمد قاسم از خطاطان ایرانی حاضر در قلمرو عثمانی در دوره سلیمان قانونی بود که ریاست چپ‌نویسان ایرانی آن دربار را بر عهده داشت.^۶

با توجه به آنچه که آمد، کاتبان ایرانی بسیاری در دربار عثمانی حضور داشتند که به سبب توانایی و مهارت در کتابت و خوشنویسی به نگارش و کتابت کتب خویش یا دیگران دست زده‌اند و علاوه بر توسعه هنر خطاطی عثمانی، خطاطی ایرانی را در قلمرو عثمانی ترویج دادند و سبب تحول و رشد هنر خوشنویسی و انشاء عثمانی شدند. حضور گسترده نخبگان ایرانی و فعالیت چشمگیر آنان در هنر کتاب‌آرایی عثمانی، سبب شد تا هنر عثمانی با وام‌گیری عناصر هنر ایرانی، سبک جدید و پیشرویی را به نام خود ایجاد کند.

نقش کاتبان دیوانی ایرانی در تشکیلات حکومتی عثمانی

تشکیلات حکومتی عثمانی بر زیرمجموعه‌ترین تشکیلات حکومت‌های مسلمان بود که با وجود انتظام قابل توجه آن در تقسیمات بالادستی، پیچیدگی‌های بسیاری در زیرمجموعه‌های خود داشت. این سازمان در قرن دهم هجری، توسعه فراوان یافت و بخش‌های تازه‌ای بدان افزوده شد و یا بخش‌های دیگر، شاخ و برگ بسیاری یافتند. این گسترش در دوره سلیمان محتشم - که به سبب قانون‌گذاری‌های مکرر، عنوان قانونی یافت - بیش از دوره‌های دیگر

۱ دفتر اهل حرف ۹۳۲، گ ۲۳.

۲ دفتر اهل حرف ۹۳۲، گ ۱.

۳ وورال گنج (۱۳۹۰)، "از کاخ هشت بهشت تا کاخ توپقایی: سیاهه اشیا و اموال شاه اسماعیل غارت شده پس از چالدران"، ترجمه اسراء دوغان و رسول جعفریان، پیام بهارستان، ش ۱۲، ص ۲۸.

۴ دفتر اهل حرف ۹۵۲، گ ۲.

۵ میرزا حبیب اصفهانی، همان، ص ۲۳۳.

۶ مستقیم‌زاده، همان، ص ۴۷۵.

بود. در دوره این سلطان و پدرش، گرچه بیش از هر چیز افزایش قدرت تشکیلات نظامی برجسته شد، اما این گسترش در بخش‌های درباری و دیوانی نیز بسیار قابل توجه بود. از آن جمله، کتابت دیوانی بود که در صدر آن سازمان رئیس‌الکتابی قرار داشت و اهمیتش، از سدهٔ دهم (مقارن حکومت سلیم اول و سلیمان قانونی) افزایش یافت.^۱

مهم‌ترین قسم از کاتبان زبردست رئیس‌الکتاب، کاتبان دیوان همایون^۲ بودند که به اختصار کاتبان دیوان خوانده می‌شدند و می‌بایست «اهل وقوف، مدقق، قدرشناس و در سیاق عربی ماهر» می‌بودند.^۳ جایگاه این دسته از کاتبان در تشکیلات دربار عثمانی، از سایر کاتبان برجسته‌تر بود؛ آن‌چنان که هزارفن افندی، کاتبان دیوان همایون را به سبب «آگاهی از اسرار سلطنت» بر بسیاری از مناصب درباری، مقدم دانسته است.^۴ این کاتبان در توپقاپی‌سرای خارج از دفترخانهٔ مالیه و در میان دو قبه، به انجام امور خود اشتغال می‌یافتند^۵ و در روزهای برگزاری دیوان همایون، می‌بایست آمادهٔ ثبت و کتابت گزارش‌ها و تصمیمات اعضای دیوان می‌شدند.^۶ کاتبان دیوان، می‌بایست در روزهای تشکیل دیوان همایون، در دیوان حضور می‌داشتند و ضمن ثبت مصوبات دیوان در دفترهای مخصوص، فرمان‌ها، برات‌ها، نامه‌های همایون و عهدنامه‌ها را نگاهشته و آماده می‌کردند. اینان در سازمان قلمیه تربیت می‌شدند و در صرف و نحو، شعر، ادبیات و انشاء، علوم قرآنی و حدیث، تاریخ، جغرافیا و فقه، مهارت کسب می‌کردند. اهمیت کار این کاتبان زمانی برجسته می‌شود که دانسته شود، منشآت به جای‌مانده امروزی که شامل فرمان‌ها، نامه‌ها و عهدنامه‌هاست، نوشتهٔ دست اینان است. کاتبان دیوان همایون، مجاز نبودند که اخبار دیوان را به خارج از آن منتقل کنند و در صورت تخطی، حکم اعدام برایشان صادر می‌شد و این شرایط بر حساسیت کار آنان می‌افزود.^۷ علاوه بر این وظایف، کاتبان دیوان، در مواقعی که سلطان یا وزیراعظم در لشکرکشی حضور داشتند، ملزم به حضور در لشکر بودند.^۸ گفتنی است، کاتبانی به نام کاتبان

1 Recep Ahışalı (2001), *Osmanlı devlet teşkilatında Reisülküttablık(XVIII. yüzyıl)*, İstanbul: Tarih ve Tabiat Vakfı, p 4.

۲ عالی‌ترین شورای حکومتی عثمانی با وظیفهٔ مشاوره و تصمیم‌گیری در امور مهم حکومتی و قضایی (İsmail Hakkı (1988) *Osmanlı Devletinin Merkez ve Bahriye Teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu, p 1.

3 Hüseyin Efendi Hezarfen (1998), *Telhisül-beyan fı kavanin-i Al-i Osman*, Hazırlayan Sevim İlgürel, Ankara: Türk Tarih Kurumu, p 73.

4 İdem, p 86.

5 Uzunçarşılı, p 10.

6 Hezarfen, p 75.

7 Mehmet Ali Ünal (1997), *Osmanlı Müesseseleri Tarihi*, İsparta: Kardelen Kitabevi, p 47.

8 Erhan Afyoncu, & Recep Ahışalı (2002), "Kâtip", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, (vol 25) İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, p 54.

احکام نیز در امور دیوانی اشتغال داشتند که در زمره کاتبان دیوان همایون بودند.^۱ شمار کاتبان دیوان متغیر بود و نمی‌توان آن تعداد را که در دفترهای اهل حرف آورده شده، همه کاتبان دیوانی حکومت عثمانی قلمداد کرد. با وجود این، از اواخر قرن نهم هجری تا اوایل قرن یازدهم هجری، شمار کاتبان دیوان همایون چندان دچار تحول نشد. قوچی بک در رساله خود، شمار کاتبان دوره مراد سوم (حک: ۹۸۲-۱۰۰۳ق) را ۳۱ تن برشمرده^۲ که در دوره مراد چهارم (حک: ۱۰۳۳-۱۰۴۹ق) به ۴۴ تن^۳ افزایش یافته بود. هزارفن‌اندی نیز در دوره محمد چهارم (حک: ۱۰۵۸-۱۰۹۹ق) شمار کاتبان دیوان همایون را ۳۶ تن برآورد کرده که روزانه ۶۹۲ آقچه موجب دریافت می‌کردند.^۴ این شمار را می‌توان به دوره سلیمان قانونی نیز تعمیم داد؛ زیرا تشکیلات عثمانی اواخر سده دهم و یازدهم هجری، تا مدت‌ها متأثر از نظام حکومتی عصر سلیمان قانونی بود. بنابراین، کاتبان دیوان همایون را می‌توان از مهم‌ترین دارندگان مشاغل قلمیه دانست که در عالی‌ترین مجمع حکومتی عثمانی اشتغال داشتند و نام خود را نیز از این مجمع گرفته بودند. با افزایش شمار اینان در دوره سلیمان قانونی، ایرانیان نیز به این بخش نفوذ یافتند. با وجود این، کاتبان این دیوان را غالباً بومیان (ترکان) در دست داشتند^۵ و تنها ایرانیانی می‌توانستند به این گروه وارد شوند که توانایی بالایی در کتابت و انشا داشته باشند. این توانایی را شماری از ایرانیان مهاجر به قلمرو عثمانی از خود بروز دادند و به عنوان کاتب به عالی‌ترین شورای حکومتی عثمانی راه یافتند. از جمله این کاتبان ایرانی، حلّی‌ها^۶ بودند که در اوایل دوره سلیم اول به تشکیلات عثمانی راه یافتند و در این تشکیلات، کاتب دیوان همایون شدند. نخستین فرد از این کاتبان، جعفر حلّی بود که در سال ۹۱۹ق، محاسب احکام (محاسبه‌چی) و کاتب دیوان شد و با ۹ آقچه موجب، در دربار عثمانی اشتغال یافت.^۷ در این سال، نام ایرانی دیگری به نام مصطفی حلّی با ۱۷ آقچه موجب، به عنوان کاتب دیوانی در تشکیلات عثمانی ثبت شده است.^۸ در کنار این دو، فرخ حلّی در سال ۹۱۹ق با ۲۰ آقچه مقرر کاتب دیوان بوده است و از دو همشهری خود، موجب

1 Uzunçarşılı, p 49.

۲ قوچی بک (۲۷۷ق)، رساله، [بی‌جا]: طبعخانه موسیو واطس، ج ۱، ص ۷.

۳ همان، ص ۱۴.

4 Hezarfen, p 99.

5 Afyoncu, & Ahiskali, vol 25, p 53.

۶ برخاسته از شهر حله که تا سال ۹۴۰ق جزو ایران عصر صفوی بود.

۷ دفتر اهل حرف ۹۱۹ق، Topkapısarayı, TS.MA.d. 10052, Ehl-Hiref, گ ۲.

۸ همانجا.

بیشتری دریافت می‌کرد که نشان از برتری او بر دو حلی دیگر دارد.^۱ نفوذ ایرانیان به بخش کاتبان دیوانی در دوره سلیمان قانونی نیز ادامه یافت. گرچه کمتر نامی از این کاتبان در دست است، اما بر اساس گزارش قنالی‌زاده، می‌توان به حضور یک ایرانی پی برد. او عیشی‌چلبی (۹۸۴ق) از ایرانیان عصر شاه طهماسب صفوی بود که از قزوین به قلمرو عثمانی کوچید. پدرش از مشایخ کبار قزوین و از سنّیان متعصب بود؛ از این رو، می‌توان مهاجرت عیشی‌چلبی را به سبب سختگیری بر سنّیان دانست. او در دوره سلیمان قانونی وارد دربار عثمانی شد و به عنوان «کاتب دیوان همایون» شروع به کار کرد.^۲

از دیگر تأثیرات کاتبان دیوان، توسعه انشاء و هنر نویسندگی مکتوبات و اوامر حکومتی بود که مورد توجه سلاطین عثمانی نیز قرار داشت. یکی از نیازهای عثمانیان، داشتن کاتبانی چیره‌دست در نگارش نامه‌ها و فرمان‌های حکومتی بود که غالباً در مواقع ابراز محبت و احترام به مخاطب، به زبان فارسی و در هنگامه ابراز خشم و نفرت به زبان ترکی نوشته می‌شد.^۳ این نوشته‌ها سبک دشواری داشت و آراستگی به صنایع گوناگون ادبی، آیات و احادیث و اشعار فارسی و عربی، -که در مقدمه با طمطراق بیشتری همراه بود- از ویژگی‌های آن بود.^۴ ایرانیان به سبب تسلط به زبان فارسی و پشتوانه ادبی مستحکم در توسعه انشا و نوشته‌های پرتکلف مهارت بسیاری داشتند؛ از همین روست که در کنار کاتبان دیوانی ایرانی که در انشاء و نگارش مکتوبات و فرمان‌های سلطانی، انشاء عثمانی را تعالی بخشیدند، ایرانیان دیگری نیز بودند که به تدریس و یا تاریخ‌نویسی و شاعری اشتغال داشتند، اما در انشاء و حسن خط نیز نامور گردیدند. این نخبگان عبارت‌اند از: علاء‌الدین علی اصفهانی^۵ که در آماسیه مشق خط می‌کرد،^۶ محمدامین شروانی که از او با عنوان منشی یاد شده است،^۷ حافظ عجم،^۸ صاجلی‌امیر که به ثلث، نسخ و تعلیق مسلط بود،^۹ عبدالفتاح‌بن‌احمد بن‌عادل پاشا،^{۱۰}

۱ همانجا.

۲ Hasan çelebi Kınalızade (2009), *Tezkireti'ş şü'ara*, haz. Aysun Sungurhan-Eyduvan, (vol B), Ankara: T.C. Kültür ve Turizm bakanlığı kütüphaneler ve yayımlar genel müdürlüğü, pp 124- 125;

ثریا، ج ۳، ص ۶۱۳

۳ محمدامین ریاحی (۱۳۹۰)، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: انتشارات اطلاعات، ج ۲، صص ۲۰۴-۲۰۵.

۴ همان، ص ۲۰۶.

۵ عالی‌افندی، (۲۰۰۹، گ ۳۷۳ب)؛ پچوی، همان، ج ۱، ص ۵۰) او را «خطاط روزگار» توصیف کرده‌اند.

۶ مستقیم‌زاده، همان، ص ۳۳۵.

۷ عطاءالله محمد بن یحیی نوعی زاده عطائی (۱۲۶۹ق)، *ذیل الشقایق (حدائق الحقایق فی تکملة الشقایق)*، استانبول: طبعخانه عامره، ج ۱، ص ۱۷۲.

۸ پچوی، همان، ج ۱، ص ۴۹.

۹ مستقیم‌زاده، همان، ص ۴۱۶.

۱۰ پچوی، همانجا.

میرعلم بخاری،^۱ مهدی فکاری شیرازی که خطاط و ماهر در بلاغت خوانده شده است،^۲ محی‌الدین محمدبن محمدبن محمد بردعی که در داشتن خطی خوش و مهارت در انشای فارسی و عربی و نیز سرعت در کتابت شهره بود،^۳ ادایی شیرازی که از کاتبان و خطاطان متعین بود،^۴ فتح‌الله عارف که منشی بود و در قلم دیوانی مهارت داشت،^۵ قاضی زاده اردبیلی که در حسن خط و انشاء چیره‌دست و کاتب برگزیده نستعلیق بود^۶ و سرانجام ادریس بدلیسی که علاوه بر تصدی انشای آق‌قویونلوها، شماری از مکتوبات حکومتی و فتحنامه‌های مصر و شام (ارسالی به شروانشاه و خان‌های ماوراءالنهر) با انشای او از دوره عثمانی به‌جای مانده^۷ و در ثلث، نسخ، نستعلیق، دیوانی و چپ‌نویسی استاد بود.^۸

دیگر بخش دیوانی حکومت عثمانی، «باب‌دفتری» بود که در دوره سلیم اول و سلیمان قانونی زیر نظر دو دفتردار آناتولی و روم‌ایلی قرار داشت. این دفترداران وظیفه رسیدگی به تمامی امور مالی قلمرو عثمانی را برعهده داشتند و بدون اذن آنان حتی آنچه‌ای از خزانه خارج نمی‌شد.^۹ یکی از زیرمجموعه‌های مالی زیردست آنان، بخش خزانه بود که در میان کاتبانش، ایرانیان نیز حضور داشتند. خزانه عثمانی که «خزینة عامره» نام داشت، اداره تأمین مخارج امور و مواجب مقامات و کارکنان حکومتی و درباری بود و زیر نظر «خزینة‌دارباشی» اداره می‌شد.^{۱۰} در خزانه عثمانی، کاتبانی به ثبت مبالغ ورودی به خزانه و خروجی از آن، می‌پرداختند که زیر نظر «خزینة همایون باش‌کاتبی» (یکی از زیردستان خزینة‌دارباشی) فعالیت می‌کردند.^{۱۱} نخبگان ایرانی نیز به جرگه این کاتبان که ثبت امور

۱ طاشکپری‌زاده، همان، ص ۳۰۹.

۲ ثریا، همان، ج ۴، ص ۵۲۷.

۳ طاشکپری‌زاده، همان، ص ۲۴۱؛ عالی‌افندی، همان، گ ۲۶۲ الف.

۴ حکیم‌شاه، همان، ص ۳۶۴.

۵ عالی‌افندی، همان، گ ۴۰۷ الف. ثریا او را تعلیق‌نویس خوانده است (ج ۴، ص ۸).

۶ نشانچی، همان، ص ۳۱۱؛ مستقیم‌زاده، همان، ص ۳۶۹.

۷ ادریس بن حسام‌الدین بدلیسی (۱۹۹۵)، *سلیم‌شاه‌نامه*، به اهتمام حجایی قیرلنقیچ، رساله دکتری، آنکارا: دانشگاه آنکارا، صص ۳۵۴-۳۶۲؛ احمد توقیعی (۱۲۷۴ق، ۱۲۷۵ق)، *منشآت السلاطین*، ج ۱، استانبول: مطبعه عامره، ج ۱، صص ۳۳۳، ۴۳۷.

۸ عالی‌افندی، همان، ص ۶۱؛ حافظ‌حسین بن اسماعیل حسین‌آیوانسرای (۱۲۸۱ق)، *حدیقة الجوامع*، ج ۱، استانبول: مطبعه عامره، ج ۱، ص ۲۶۳؛ اوزون‌چارشیلی، همان، ج ۱، ص ۷۱۹.

9 Mübahat S Küttükoğlu (1994), "Defterdar", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, (vol 9), İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, p 95.

10 Mehmet Zeki Pakalın (1971), *Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü*, (vol 1), İstanbul: Milli Eğitim basımevi, p 785.

۱۱ عبدالرحمن وفق‌بک (۱۳۲۸ق)، *تکالیف قواعدی*، ج ۱، استانبول: مطبعه قدر، ج ۱، ص ۲۱۳.

مهم‌ترین بخش مالی حکومت عثمانی را برعهده داشتند، نفوذ کردند. از آن میان، محمد حلی با ۱۴ آقچه موجب در سال ۹۱۹ق از کاتبان خزانه عثمانی بود.^۱ محمود حلی‌افندی نیز بالا رتبه‌تر از محمد حلی با ۱۷ آقچه مقرر، در جرگه کاتبان خزانه عثمانی حضور داشت.^۲

گرچه درآمدها و پرداخت‌ها ابتدا توسط مقامات مالی جزء (نظیر مناصب مالی فرودست ایالتی) رسیدگی و در دفترهایی نظیر «دفتر تیمار» ثبت می‌شد و سپس تمامی موارد، در خزانه و در دفترهای روزنامه‌چ به ثبت نهایی می‌رسید، اما آخرین مراحل ثبت درآمد و مخارج به دست دایره‌ای به نام «محاسبه» یا «باش‌محاسبه» انجام می‌شد. سابقه تشکیل این دایره - به عنوان اداره‌ای با زیرمجموعه‌های مشخص - به سده دهم هجری باز می‌گردد^۳ که به مرور زمان به یکی از مهم‌ترین دایره‌های امور مالی عثمانی بدل شد.^۴ مسئولیت اداره دایره محاسبه بر عهده باش‌محاسبه‌چی یا محاسبه اول بود که به نوعی امور مالی همه بخش‌های حکومت عثمانی را تحت نظارت خویش داشت.^۵ گرچه وظیفه اصلی محاسبه در بخش خزانه متمرکز بود و به عبارتی «أس اساس خزینه عامره» خوانده می‌شد،^۶ اما حیطة وظایف آن، تمام زیرمجموعه‌های مالی عثمانیان را در بر می‌گرفت و در بخش‌های مختلفی نظیر ترسانه، باروت‌خانه و مطبخ نیز مسئولی از دایره محاسبه حضور داشت.^۷ همچنین، محاسبه‌چی آناتولی و روم ایلی و محاسبه حرمین نیز بودند که به محاسبات متولیان اوقاف سلاطین و وزراء عثمانی و حرمین شریفین اشتغال داشتند.^۸ علاوه‌بر اینان، به مرور زمان مناصب متعددی که مرتبط با دایره محاسبه بود، در بخش‌های مختلف دربار عثمانی به وجود آمد.^۹ کاتبانی که در این دایره و زیر نظر باش‌محاسبه‌چی به کتابت و ثبت مخارج و درآمدهای می‌پرداختند، محاسبه‌چی نام داشتند که در روزهای تشکیل دیوان همایون، نام آنان به همراه کاتبان دیوان، به چشم می‌خورد.^{۱۰}

یکی از کاتبان ایرانی که علاوه‌بر حضور در میان کُتاب دیوان، در دایره محاسبه نیز ایفای

۱ دفتر اهل حریف ۹۱۹، ج ۲.

۲ دفتر اهل حریف ۹۱۹، ج ۲.

۳ وفیق‌بک، همان، ج ۱، ص ۱۸۵.

4 Uzunçarşılı, p 346.

5 Ibid; Pakalın, vol 2, p 568.

6 Idem, vol 2, p 569.

7 Uzunçarşılı, p 354.

8 Idem, pp 340, 341, 347.

۹ نک. وفیق‌بک، همان، ج ۱، صص ۱۸۵-۱۸۷.

10 Hezarfen, p 74; Pakalın, vol 2, p 569.

وظیفه می‌کرد، جعفر حلی بود که از او به عنوان «محاسب احکام» یا محاسبه‌چی سخن رفته است و گویا در هر دو شغل، مقررری یکسانی داشت.^۱ دیگر کاتب محاسبه، امیری محمدبک فرزند هاشمی چلبی (ندیم ایرانی سلیم اول) بود که در ایالات عثمانی به این وظیفه، اشتغال داشت. او که در دوره مراد سوم در گذشت، در دوره سلیمان قانونی محاسبه‌چی مصر بود.^۲

به جز کاتبان دیوان همایون، خزانه و محاسبه، که وظیفه و بخش فعالیت آنان مشخص است، نام کاتبان دیگری نیز در اسناد و منابع تاریخی به چشم خورد که عنوان دقیق شغلی ایشان دانسته نیست و تنها می‌توان به وظیفه کتابت دیوانی آنان پی برد. یکی از این کاتبان، سلطان علی تبریزی بود که در دفتر اهل حرف ۹۷۲ق از او به عنوان کاتب خاصه متفرقه سخن رفته است.^۳ کاتب دیگری که با سلطان علی تبریزی نیز تشابه اسمی دارد، علی سلطان نام داشت. او که در دوره سلیمان قانونی از ایران به قلمرو عثمانی کوچید و در استانبول ساکن شد، در شمار کاتبان بالادست دربار عثمانی قرار داشت.^۴ اما در میان اینان، فتح‌الله کاتب که پیشتر کاتب شاه اسماعیل صفوی بود و «جمیع خطوط را در غایت زیبایی می‌نوشت»^۵ شهرت بیشتری کسب کرد. او از اسرای پس از جنگ چالدران بود که به استانبول کوچانده شد و علاوه بر داشتن خطی خوش، به از بر بودن اشعار بسیاری از شاعران، شهره بود. فتح‌الله پس از کوچانده شدن به استانبول، در زمان نگارش ترجمه مجالس النفائس، «کاتب سلطان روم» بوده است.^۶ با توجه به اینکه، حکیم‌شاه، ترجمه مجالس النفائس و افزوده‌های خود را بر این ترجمه، در سال ۹۲۷ق به پایان برده، می‌توان نتیجه گرفت که فتح‌الله کاتب، کاتب دربار سلیم اول و سلیمان قانونی بوده است.

نتیجه‌گیری

کتابت درباری عثمانی در دو بخش هنری و دیوانی در قرن دهم هجری رونق بسیار داشت و موازی با سایر بخش‌های سازمان حکومتی عثمانی گسترش یافت. در این سده و به‌ویژه در دوره

۱ دفتر اهل حرف ۹۱۹، گ ۲.

۲ ثریا، همان، ج ۴، ص ۶۲۲.

۳ دفتر اهل حرف ۹۷۲، گ ۲.

۴ عالی‌افندی (۱۹۲۶)، همان، ص ۵۸.

۵ حکیم‌شاه، همان، ص ۳۹۳.

۶ همانجا؛ نیز نک. ریاحی، ص ۱۷۳.

۷ حکیم‌شاه، همانجا.

سلیم اول و سلیمان قانونی، شمار ایرانیان دربار عثمانی به سبب عواملی نظیر اسارت و مهاجرت فزونی یافت که به نقش آفرینی آنان در پیشرفت و توسعه بخش نویسندگی هنری و دیوانی عثمانیان انجامید. در بخش هنری و کتاب آرای عثمانیان، افزایش شمار کتب مذهبی، نوشته‌های ادبی و علمی و تألیفات تاریخی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های افزایش شکوه دربار عثمانی به شمار می‌رفت. کاتبان ایرانی در این بخش به کتابت متون مذهبی، نوشته‌های ادبی متقدمین و آثار حماسی معاصر دست زدند و با استنساخ این کتاب‌ها در افزایش شمار کتب مستنسخ در دربار عثمانی کوشیدند که سبب مانایی بسیاری از این کتاب‌ها تاکنون شده است. هم چنین، کاتبان شاعر، تاریخ‌نویس و مدرس نیز با کتابت هنرمندانه آثار خویش، در جهت افزایش نسخ، نقش آفرینی کرده‌اند. تلاش کاتبان ایرانی، منحصر به افزایش شمار نسخ نبود؛ بلکه آنان به سبب تسلط بر نگارش اقلام رایج در کتاب آرای ایرانی، آن اقلام را در هنر کتاب آرای و نویسندگی به کار بستند و رواج این اقلام در کنار قلم‌های رایج در کتابت عثمانیان، سبب توسعه خطاطی عثمانی شد. نمونه آشکار این اقلام، قلم نستعلیق بود که با ورود کاتبان ایرانی به جرگه کاتب و کتاب آریان عثمانی، رواج چشمگیر یافت. تلاش‌های این کاتبان، سبب نفوذ هر چه بیشتر زبان فارسی، انتقال روش‌های هنری ایرانیان به قلمرو عثمانی و ابداع شیوه‌هایی در خطاطی شد که به تقویت هنر درباری عثمانی و تحول رو به جلوی آن منتج گردید. در بخش کتابت دیوانی نیز ایرانیان در تشکیلاتی حضور یافتند که به دنبال گسترش روز افزون بود و تأمین نیروهای کارآمد، به نیاز عثمانیان بدل شده بود. از این رو، ایرانیان توانا به جرگه کاتبان سه بخش مهم مالی و دیوانی عثمانی یعنی دیوان همایون، دایره محاسبه و خزانه عامره - که در صدر تشکیلات مالی و دیوانی قرار داشتند و دارای اهمیت فراوانی بودند - راه یافتند و در این سازمان‌ها به کاتبی اشتغال پیدا کردند. حضور اینان، خلأ نیروهای کارآمد مسلط به فنون کتابت و انشای عثمانی را برطرف ساخت و در توسعه این ساختارها سودمند افتاد. به دیگر سخن، کاتبان ایرانی، متشکل از ۴ نفر کاتب دیوان، ۲ نفر محاسبه‌چی، ۲ نفر کاتب خزانه و ۲۶ نفر مؤثر در انشاء عثمانی و یا با وظایف نامعین و نیز ۲۰ تن در کتابت هنری عثمانی با نقش آفرینی خود، سبب افزایش شمار آثار کتابی موجود در دربار عثمانی، انتقال میراث ایرانی به قلمرو عثمانی، ابداع روش‌های جدید در خطاطی، تأمین نیازهای دیوانی حکومت و تقویت انشای درباری عثمانیان شدند و این تلاش‌ها علاوه بر تقویت هنر کتاب آرای عثمانی و توسعه بخش‌های دیوانی مالی، به افزایش شکوه دربار عثمانی در عصر احتشام و اقتدار انجامید.

منابع و مآخذ

- آیوانسرای، حافظ حسین بن اسماعیل حسین (۱۲۸۱ق)، *حدیقة الجوامع*، استانبول: مطبعة عامره.
- اوزون چارشیلی، اسماعیل حقی (۱۳۸۸)، *تاریخ عثمانی*، ترجمه وهاب ولی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بدلیسی، ادیب بن حسام‌الدین (۱۹۹۵)، *سلیم‌شاهنامه*، به اهتمام حجایی قیرلاقیچ، رساله دکتری، آنکارا: دانشگاه آنکارا.
- برند، باربارا (۱۳۸۳)، *هنر اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- بغدادی، اسماعیل باشا (۱۴۰۲ق / ۱۹۸۲م)، *ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، تصحیح و طبعه محمد شرف‌الدین یالتقیا و المعلم رفعت بیلکه الکیسی، بیروت: دارالفکر.
- [بی‌تا]، *هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنّفین*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، (افست استانبول: ۱۹۵۵م).
- بلر، شیلا و جانانان بوم (۱۳۸۸)، *هنر و معماری اسلامی (۲)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، *احوال و آثار خوشنویسان*، تهران: انتشارات علمی.
- پچوی، ابراهیم (۱۲۸۳ق)، *تاریخ پچوی*، استانبول: مطبعة عامره.
- ثریا، محمد (۱۳۰۸ق، ۱۳۱۱ق)، *سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر عثمانی*، استانبول: مطبعة عامره.
- حکیم‌شاه، محمد قزوینی (۱۳۶۳)، *بخش افزوده به ترجمه مجالس النفائس*، (نوابی، امیرعلیشیر، تذکره مجالس النفائس) ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: نشر منوچهری).
- دفتر اهل حِرف ۹۱۹ق، Ehl-Hiref, TS.MA.d. 10052, Topkapısarayı
- دفتر اهل حِرف ۹۲۳ق، چاپ عکس برگردان در انتهای مقاله "Osmanlı", Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, "Osmanlı", *Belgeler*, Sarayı'nda 11/15, 1986, pp. 23-76. Ehl-iHiref (Sanatkârlar) defteri",
- دفتر اهل حِرف ۹۵۲ق، Ehl-Hiref, TS.MA.d. 97060004, Topkapısarayı
- دفتر اهل حِرف ۹۶۵ق، Ehl-Hiref, TS.MA.d. 9612, Topkapısarayı
- دفتر اهل حِرف ۹۷۲ق، Ehl-Hiref, TS.MA.d. 1395, Topkapısarayı
- دین پرست، ولی (۱۳۹۰)، «نقاشان صفوی و انتقال هنر نگارگری ایرانی به عثمانی (اوایل قرن دهم هجری)»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، س ۲، ش ۳، صص ۵۹-۸۰.
- ریاحی، محمدمامین (۱۳۹۰)، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- زکی، محمد حسن (۱۳۶۶)، *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام*، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: نشر اقبال.
- شعبانی، رضا، دین پرست، ولی (۱۳۸۹)، «مهاجرت هنرمندان ایرانی به عثمانی: اواخر تیموریان و اوایل دوره صفویه»، *فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، س ۲۰، دوره جدید، ش ۶، صص ۵۵-۷۹.
- طاشکپیری‌زاده، احمد بن مصطفی (۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م)، *الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية*، بیروت:

دارالکتب العربی.

- طیارزاده، احمد عطا (۱۳۹۳ق)، تاریخ عطا، استانبول: یحیی افندی مطبعه سی.
- عالی افندی، گلیبولولی مصطفی (۲۰۰۹)، کنه/الاخبار، چاپ عکس برگردان (Ali, Gelibolulu Mustafa, Künhü'l- Ahbar, Dördüncü rükn: Osmanlı Tarihi, C.I. Ankara: Türk Tarih Kurumu).
----- (۱۹۲۶م)، مناقب هنروران، استانبول: مطبعه عامره.
- عطائی، عطاءالله محمدین یحیی نوعی زاده (۱۳۶۹ق)، ذیل الشقائق (حداثق الحقائق فی تکملة الشقائق)، استانبول: طبعخانه عامره.
- فدایی، مریم (۱۳۹۱)، «هنر خوشنویسی دوره امپراتوری عثمانی»، کتاب ماه هنر، ش ۱۷۲، صص ۶۶-۷۷.
- فرخ فر، فرزانه (۱۳۹۱)، تأثیر هنر ایران بر هنر عثمانی در حوزه نگارگری (قرون دهم و یازدهم هجری)، رساله دکتری در رشته پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- فریدون بک، احمد توقیعی (۱۳۷۴ق، ۱۳۷۵ق)، منشآت السلاطین، استانبول: مطبعه عامره.
- قوچی بک (۱۳۷۷ق)، رساله، [بی جا]: طبعخانه موسوی واطس.
- گنج، وورال (۱۳۹۰)، «از کاخ هشت بهشت تا کاخ توپقاپی: سیاهه اشیا و اموال شاه اسماعیل غارت شده پس از چالدران»، ترجمه اسراء دوغان و رسول جعفریان، پیام بهارستان، ۲۵، س ۳، ش ۱۲.
- مجدی، محمد مجدالدین اردنهوی (۱۳۶۹ق)، حدائق الشقائق (ترجمه شقائق)، استانبول: طبعخانه عامره.
- مستقیم زاده، سلیمان سعدالدین افندی (۱۳۴۷)، تحفه خطاطین، استانبول: دولت مطبعه سی.
- میرزا حبیب اصفهانی (۱۳۰۶)، خط و خطاطان، قسطنطنیه: مطبعه ابو الضیا.
- نشانچی، محمد پاشا (۱۳۷۹ق)، تاریخ نشانچی، استانبول: طبعخانه عامره.
- نظامی گنجوی (۱۳۹۱)، دیوان نظامی گنجوی، تصحیح برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.
- وفیق بک، عبدالرحمن (۱۳۲۸ق)، تکالیف قواعدی، استانبول: مطبعه قدر.
- Afyoncu, Erhan & Recep Ahiskali, (2002), "Kâtip", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, vol. 25, pp 53- 55.
- Ahışalı, Recep (2001), *Osmanlı devlet teşkilatında Reisülküttâblık (XVIII. yüzyıl)*, İstanbul: Tarih ve Tabiat Vakfı.
- Atil, Esin (1987), *The Age of Sultan Suleyman the Magnificent*, Washington DC: National Gallery of Art.
- Ay, Ümran (2013), "DNA'ya Göre İnan kütüphanelerinde bulunan Türkçe, Türkçe-Farsça, Türkçe- Farsça- Arapça divanların kısa künyesi", *Divan Edebiyatı Araştırmaları Dergisi*, no.11, İstanbul: pp 81- 126.
- Bozcu, Pelin (Filiz) (2010), *Osmanlı Sarayında Sanatçı ve Zanaatçı Teşkilatı Ehl-i Hıref, Uzmanlık Tezi*, İstanbul: T.C. Kültür ve Turizm Bakanlığı, Kültür Varlıkları ve Müzeler Genel Müdürlüğü.
- Hezarfen, Hüseyin Efendi (1998), *Telhisül-beyan fi kavanin-i Al-i Osman*, Hazırlayan

- Sevim İlgürel, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Kınalızade, Hasan çelebi (2009), *Tezkiretü'ş şu'ara*, haz. Aysun Sungurhan-Eyduran, Ankara: T. C. Kültür ve Turizm bakanlığı kütüphaneler ve yayımlar genel müdürlüğü.
 - Kütükoğlu, Mübahat S, (1994), “Defterdar”, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, vol 9, pp 94- 96.
 - Özbek, Yıldırım (2004), Şükrî-i Bitlisi Selimnamesi minyatürleri, *Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, no : 17, pp 151-193.
 - Pakalın, Mehmet Zeki (1971), *Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü*, İstanbul: Milli Eğitim basımevi.
 - Sarımay, Yusuf (2010), *Osmanlı Başbakanlık arşivi rehberi*, İstanbul: T.C. Basbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü.
 - Tanındı, Zeren (2000), “Addition to illustrated manuscripts in the Ottoman Workshops”, *Muqarnas*, no. 17, pp 148- 161.
 - Taşkın, Gülşah (2012), “Kanuni Döneminde Mahfi bir Şâir: Mahfi-I Gilani ve Bih-I Çini Tercümesi”, *Turkish Studies*, Ankara: vol 7/3, pp 2423- 2443.
 - Tezcan, Gülsen (2007), *Ali Şir Nevâyî Hamse ve divanlarını resimleri: Topkapı Sarayı Müzesi ve Kütüphanesinin 'deki örnekleri*, Doktora tezi, Ankara: Hacettepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.
 - Uluç, Lale (2008), “The Common Timurid Heritage of the Three Capitales of Islamic Arts”, *Istanbul, İsfahan, Delhi; 3 Capitals of Islamic Art: Masterpieces from the Louvre Collection*, exhibition catalogue, İstanbul: Sabancı University Sakıp Sabancı Museum.
 - Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1988), *Osmanlı Devletinin Merkez ve Bahriye Teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
 - Ünal, Mehmet Ali (1997), *Osmanlı Müesseseleri Tarihi*, İsparta: Kardelen Kitabevi.
 - Yayla, Yasemin (2001), *Kanuni Sultan Süleyman devri osmanlı devletinde bürokratik yapı*, yüksek lisans tezi, İsparta: Süleman Demirel Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü tarih anabilim dalı.
 - Yoltar Yıldırım, Ayşin (2009), *Ottoman decorative arts*, Ankara: Ministry of culture and tourism.
 - ---- (2000), “An Accomplished Artist of the Book at the Ottoman Court: 1515- 1530”, *M. Uğur Derman 65 Yaş Armağanı*, (Ed.I.C.Schick) İstanbul: Sabancı Üniversitesi iletişim merkezi.
 - ---- (2007), “Following the Path of a Nakkash from the Akkoyunlu to the Ottoman Court”, *Artibus Asiae*, no.67.
 - Yazıcı, Tahsin, (1991), “Arifi Fethullah Çelebi”, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, vol. 3, pp 371- 373.